داکتر خلیل الله هاشمیان
28 جون 2015

نویسندۀ پُرنویس، جناب محترم آقای سدید

هموطن گرامی آقای سید هاشم سدید درجملۀ نویسنگان پُرنویس میباشند – درین اواخر بعد از آنکه همکار وبسایت خودشان، جناب آقای استاد معروفی، موضوع تدوین یک فرهنگ دری را به تقلید از (قاموس دری- انگلیسی) تألیف مرحوم استاد نگهت پیشنهاد کردند و من آنرا لبیک گفتم، مثلیکه خداناخواسته بجان سدید صاحب لمبه های آتش شراره کرده باشد، مقاله سر مقاله نوشته و مرا به اصطلاح خودشان تحت حملات "کوبنده" قراردادند. شمه ای ازین حملات و انتقادات را اینک در ذیل اقتباس میکنیم:

درمقالۀ مورخ 20جون 2015، بعنوان" عدم دقت نظری وعملی" آقای سدید ابتدا درمورد یک تبصرۀ من در کلکین نظریابی که نوشته بودم "قاموس نگاری توسط عربها حدود 800 سال قبل آغاز شده بود..." و مقصد من در منطقۀ دری زبانان بود- آقای سدید تفصیلاتی پیرامون قاموس نگاری از 4300 سال قبل توسط سومریها ارائه و مدعی شدند که "این اعراب نبودند که به تدوین قاموس پرداخته باشند بل مردمان غیرعربی که زیر سیطرۀ شاهان عرب یا در قلمرو این شاهان بسر میبردند، خالق آن بودند. "آقای سدید به اساس تبصرۀ فوق هاشمیان را به ارتباط قاموس نگاری یک شخص بی کفایت و" فاقد دقت نظری وعملی" خوانده و تهمت بستند که مقصد هاشمیان ازین پیشنهاد "خود را درمرکزیت قراردادن ومتبارزکردن" است، و علاوه نمودند که "دراینجا قصد نام کشیدن است، نه انجام دادن یک خدمت یا وظیفۀ ملی و تاریخی..." مقالۀ مذکور در وبسایت (افغانستان آزاد-آزاد افغانستان) به تائید مقالۀ مورخ 19 جون استاد معروفی نشر شده است.

آقای سدید درمقالۀ هشت صفحه یی مورخ 22جون خود بعنوان "پاسخی خدمت جناب محترم قیس کبیر" درحالیکه رخ صحبت او جانب انجنیر صاحب قیس کبیر بود، باز هم به ارتباط یک اعلامیۀ چهار سال قبل منتشره در وبسایت (آزاد افغانستان- افغانستان آزاد) که هاشمیان از آن هیچ اطلاع نیافته و نداشته، او را مورد انتقاد قرارداده، ازینقرار: "... انتقادمن برین است که چراو بچه دلیل این بزرگان درآنوقت به اهمیت این پروژه پی نبردند، واگر پی بردند چرابا آقای معروفی ودوستان شان به همکاری حاضرنشدند؟؟ ... گلۀ شخص من از جناب هاشمیان صاحب تنها همینقدر است که چرا ایشان همین تمایل یا علاقه را یاهمین احساس مسئولیت را، در آن زمان نشان ندادند؟"

ازآنجا ئیکه جناب داکترغلام انصاری درکلکین نظریابی از پیشنهاد تدوین (فرهنگ زبان دری) حمایت کرده بودند، آقای سدید او را شخص "دورویه" خوانده، درحالیکه داکتر انصاری و هاشمیان هیچ نوع معرفت یا تماس قبلی نداشته اند- اینست کلمات وجملات آقای سدید درهمان مقاله: " ...اگراعتراضی دارم، به دو رویی های مبرهنی دارم که به وضوح دیده شده است و دیده میشود، و خیلی ها، ازجمله جناب داکترصاحب انصاری، یا آن را نمی بیند، یا نمی خواهند آنرا ببینند... من میدانم دراین میان ریگی درکفش ایشان وجود دارد..." بیچاره داکتر انصاری که او هم مثل من ازاعلامیۀ چهارسال قبل این وبسایت خبرنداشته، ولی منحیث یک افغان وطندوست و ملیگرا یک پیشنهاد روی کاغذ را حمایت کرده، آقای سدید این دانشمند موسپید را شخص " دورویه" و "نمی بیند یا نمیخواهد ببیند" ، یعنی (کم سواد)، مخاطب نموده است.

جناب آقای سید هاشم سدید درمقالۀ مورخ 24 جون 2015 بعنوان" دانایی بینایی و بینایی دانایی است" باز هم ازهاشمیان گله ها دارند ومیگویند : "علت تعلل جناب هاشمیان از زمانیکه جناب معروفی صاحب بعد از پیشنهاد من برای کار روی این پروژه فراخوان دادن (دادند)، چه بود؟...بنظرمن هیچ دلیل و هیچ عذری در بارۀ این تعلل واعراض یا تحاشیی که جناب هاشممیان در آن زمان نشان دادند، قابل شنیدن نیست... شکایت من بخاطر تدوین کتاب لغت نیست، بلکه این است که جناب هاشمیان در آن زمان برای انجام این کارمهم وضروری پا پیش نگذاشتند؟ ..."

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

ازعنوان مقالۀ فوق که جناب آقای سدید خودرا تلویحاً "دانا وبینا" تشخیص داده و "دانایی وبینایی" را بدیگران می آموزند، دوسه مثال بعرض میرسانم: شخصی نوشته بود که آقای سدید ازکلمات ایرانی بسیار کارمیگیرد. آقای سدید ضمن دوصفحه توضیحات،هرصفحه حدود 40 سطر، ادعای مذکور را باکلمات ذیل رد نموده :" چقدرخجالت آور است این کارهای کودکانۀ انسان های مریض وعقده گوی و ریاکار ومتملق وبی شخصیت..." واضافه کردند که دلیل اینکه من بایسکل را دوچرخه میگویم اینست که معنی بایسکل دوچرخه است، دیگر اینکه دوچرخه کلمه فارسی است وبایسکل یک کلمۀ انگلیسی.
شخص دیگری در یک مقاله کلمۀ "قدس" را نوشته بود، وبدون آنکه در بارۀ این کلمه استیضاح کرده باشد، آقای سدید دربارۀ کلمۀ قدس و شهر قدس ومسجد اقصی چهار سطر توضیحات داده بود.

در پورتال افغان - جرمن آنلاین یک مقاله را برای چند روز در ستون "برگزیده ها" جا داده بودند، چون آقای سدید نویسندۀ آن مقاله راخوش نداشت، یک مقالۀ سه صفحه یی، هر صفحه حدود 40 سطر، برسم انتقاد بالای روش پورتال مذکور نوشت و هدایت داد که چه نوع مقالات باید در ستون برگزیده ها گذاشته شود. ازینجاست که من در عنوان این مقاله جناب آقای سدید را "پرنویس" خوانده ام. علاوه برآن از بابت تشویش شدید وعجیبی که از بابت پیشنهاد تدوین (فرهنگ زبان دری) در وجود شان، همانند شعله های آتش، پدید آمده، این تصور به من رخ داده که مبادا جناب سدید صاحب خداناخواسته بکدام تکلیف روحی وروانی دچارنباشند، زیرا :

حدود چهار سال قبل جناب آقای سیدهاشم سدید پیشنهادی به وبسایت (افغانستان آزاد – آزاد افغانستان) درباب تدوین (فرهنگ زبان دری) تقدیم نمودند و جناب استاد خلیل الله معروفی مهر تائید برآن پیشنهاد گذاشته آنرا ضمن اعلامیه یی برای مدت شش ماه پیهم نشرکردند و نتیجۀ آنرا اینک از قلم استاد معروفی در مقالۀ مورخ 19 جون شان بخوانید:
" این اعلامیه ششماه تخت- شب و روز- برطاق جبین پورتال ماجلوه نمائی میکرد...مکرر یاددهانی میکنم که با تاسف انعکاس بیرونی بدین موضوع مهم و مبرم، خیلی یأس آوربود وپورتال راچنان مایوس ساخت و تنها گذاشت که نتوانست موضوع را یکه و تنها دنبال نماید!!!!... اعلامیۀ 64 پورتال...که 6 ماه تخت برتارک پورتال "حی علی الفلاح" و "حی علی الصلاح" میگفت، و به مانند "آذان ملای غریب" کسی جهت ادای چنین یک نماز واجبی وفرض عینی و "فرهنگی- وطنی" حاضر به اقتدانگردید..."
جناب استاد معروفی با تمام دانشمندان افغان که لازم دانستند، منجمله جناب استاد محمد اسحق نگارگر، تماس گرفته، در پروژۀ پیشنهادی شان دعوت به همکاری نمودند. جناب استادمعروفی درمقالۀ مورخ 19 جون 2015 خود نتیجۀ دوبار صحبت تلفونی خود را با جناب استاد نگارگرچنین گزارش داده اند که نگارگر گفت:

" شاید درزمینه رهنمایی بکنم، مگرازمن توقع نکنید که با این کانون همکاری نمایم."

درجملۀ بالا از استاد نگارگر، کلمۀ "کانون" بیانگر این واقعیت است که گویا ایشان نمیخواهند (با این وبسایت همکاری کنند)، زیرا جناب استاد نگارگر یک مسلمان متصوف است و نمیتواند با وبسایتی همکاری کند که پیرویک ایدیالوژی ضد اسلامی میباشد- و دلیل اینکه در مدت ششماه هیچ کس به آذان ملای غریب جواب نداد، چیز دیگری غیر از این بوده نمیتواند که افغانهای مسلمان این "ملا" را یک ملای غیرمسلمان و پیرو ایدیالوژی "ماوئیزم" تشخیص داده بودند و به همین دلیل دارای تعدادی قلیل از خوانندگان می باشد.

جناب استاد معروفی در همان مقاله علاوه کردند که "شاید مصروفیت های بی اندازه و بی حد و حصر آقای نگارگر با صوفیگری و خانقاه بازی و "هل و هُل زدنها" درحدی بوده است که حیف میدانست وقت گرامی خود را صرف کارهای خشره نمایند..." من (هاشمیان) جناب استاد نگارگر را از قدیم میشناسم، ایشان مدتی استاد پوهنتون کابل بودند، شاعر ونویسندۀ ممتاز زبان دری میباشند، در رشتۀ تعلیم و تربیه زبان از انگلستان ماستری دارند و زبان انگلیسی را بحیث زبان دوم در انگلستان تدریس کرده اند- علاوتاً در تصوف و مولاناشناسی مانند اوشان دانشمندی درمنطقۀ ما وجود ندارد – بنظر من، کلمات و کنایه های تمسخر آمیز جناب استاد معروفی در مورد جناب استادنگارگر دور از ادب و مروت است.

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

اکنون توجه جناب سدید صاحب را بمقالهٔ مورخ 6 جون 2015 خود جلب مینمایم که درهر دو پورتال نشرشده و شکایات سدید صاحب نیز بعد از خواندن همان مقاله بالا شده است. من درمقدمهٔ آن مقاله نوشته بودم که " مسرت دست داد، مستشعرشدم که پورتال وزین (آزاد افغانستان- افغانستان آزاد) در سال 2011 ابتکارتأسیس "کانون پرورش زبانهای افغانستان" و تدوین قاموس زبان دری را به همت دو دانشمند افغان (آقایان معروفی و سدید) روی دست گرفته بودند – متأسفانه ازین موضوع در وقتش مطلع نگردیدم، ورنه بحیث یک طالب العلم دبستان ادب خدمات خود را در زمینه عرضه میکردم..." – نمیدانم آقای سدید چرا در سه مقاله پیهم گله و انتقاد کردند که چرا هاشمیان چهار سال قبل پای خود را در زمینه پیش نکرد؟؟؟

هاشمیان که بعد از اوایل سال 2010 با ارسال یک پیام تحریری با پورتال شما قطع علاقه کرده بود و علت آن این بود که در پورتال شما بذات اقدس خداوند متعال (جل جلاله) و پیغمبر مسلمانان (صعلم) دشنام و ناسزا نشر میشد، بعد از آن قطعاً ازاعلامیهٔ پورتال شما خبرنشده است. ازجانب دیگر، شما و اعضای پورتال تان هاشمیان را می شناختید و خبر داشتید که او ناشر و مدیر مسئول مجله آئینه افغانستان درکلفورنیا میباشد واین مجله ماهوار به زاید از 30 مرجع در اروپا توزیع میشد، آقای سدید و همکاران پورتال شان چرا یک نقل اعلامیهٔ خود را به مجلهٔ ائینه افغانستان ارسال نکردند؟؟؟ ازینجاست که می بینم جناب آقای سدید گله ها وانتقاد ها را درحالی تکرار مینمایند که شاید بعضی اوقات کلهٔ شان "به زیر ریگ " باشد.

نکتهٔ اخیر اینکه: در عنوان این مقاله از کلمهٔ (پُر) بحیث قید کار گرفته شده، یعنی (بسیار نویس)، و دلیل آن اینست که جناب شما برای اینکه نظر و مقصد تانرا بطور غیر مستقیم به جناب داکترغلام انصاری برسانید یک اثر معروف (رابرانات تاگور) بعنوان "باغبان" راکه مرحوم استاد عبدالرحمن پژواک درسالهای اخیر حکومت استبدادی محمد هاشم خان ترجمه کرده بود در دو صفحه (و ادامه دارد) بتاریخ 25 جون نشرکردید. درآن دورهٔ پُر اختناق در افغانستان، همانند دوره ایکه مردم درهندوستان (کلیله دمنه) را نوشته بودند، مرحومین پژواک، صدقی و کهزاد که بنام و قلم خود نمیتوانستند مقالاتی به ضد استبداد و دیکاتوری وقت بنویسند، مقالاتی ازین قبیل را از زبان مشاهیر جهان ترجمه میکردند- متن "باغبان" برای مدتی دربین روشنفکران دست بدست میگشت و بعد ها منتشرگردید. جناب شما داکتر روان فرهادی رابحیث مترجم "باغبان" با کلمات ذیل معرفی کرده اید :" این کتاب زیبا وسنگین را آقای روان فرهادی، قراریکه خودشان درکتاب مزبور نوشته اند، از یک معلم هندی، فکر میکنم بنام عبدالحمید، در دورانی که درمکتب حبیبیه بودند، گرفته وبعدا آنرا به زبان فارسی ترجمه کردند..." – تصورمیکنم در گزارش شما "دقت" غیر حاضربوده، زیرا : داکترروان فرهادی ازهمصنفان من درمکتب استقلال بود، ومترجم این اثرمرحوم استاد (عبدالرحمن پژواک) میباشد.
مقصد از ذکر مطلب فوق دو چیز است: یکی اینکه دربارهٔ "دقت"، جناب محترم استاد معروفی صاحب نصایح بسیار سودمند به این طالب العلم گوشزد فرمودند که جناب شما هم به تعقیب استاد در آن باب سفارشاتی رقم فرموده بودید و من نصایح هر دو دانشمند محترم را در نظر خواهم گرفت. درباب "دقت" از زبان مامورین موسپید وزارت خارجه داستانی شنیده بودم که مرحوم سردار فیض محمد خان زکریا بعد از جلوس اعلیحضرت محمد نادرشاه به سلطنت، بحیث وزیرخارجه مقرر شده بود و آن مرحوم هفته یکروز مامورین وزارت خارجه را " آداب و اطوار دیپلوماسی" تدریس میکرد و به مسایلی ازین قبیل تماس میگرفت که مامورین سفارت خانه های افغانستان در خارج باید همیشه دریشی و نکتایی بپوشند، و یخن پیراهن شان چرک نباشد، بلکه بهتراست هر روز پیراهن پاک و پطلون اتو کرده بپوشند، جرابها باید شستگی و بوتها باید پاک و پالش کرده باشند، و...و... وبه هنگام نان خوردن در دعوت ها آروغ (آروق) نزنید – راویان گفتند که تصادفا درهمین اثنا شخص وزیر صاحب یک آروق تولید کردند وآنگاه فرمودند: "اگراحیاناً بشما آروق رخ داد، مثل من ملایم تیر کنید..."
نکتهٔ دوم به ارتباط "دقت" همان خبریست که پیرامون وفات مرحوم عزیزالله واصفی در وبسایت شما نشرشده بود. وبسایت شما عکس بچهٔ سقو و عکس واصفی را در بالا نشر و به زیر آن نوشته بود که "بچهٔ "بچه سقو" وفات کرد." درخبرآمده بود که عزیزالله واصفی از زن محمد زائی بچهٔ سقو موسوم به بینظیر تولد شده است، و در یک جای این خبر به ارتباط عکسها تبصره شده بود که ببینید پسر و پدر چقدر با هم شباهت دارند. من از روی همکاری، تصحیح آن خبر را به وبسایت شما نوشتم وگفتم مرحوم عزیزالله واصفی بقوم الکوزی از پشتونهای قندهار و پسر عبدالرشید خان و نواسهٔ مولوی محمدسرور واصفی یکتن از مشاهیر قندهاراست... خبرنگار شما در

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ

جواب تصحیح من، تقاضای (دی.ان.ای.)، یعنی ثبوت و راثت از طریق معاینهٔ خون را کرد. من جواب خبرنگار شما را بدو دلیل ندادم: یکی اینکه من وکیل مدافع مرحوم عزیزالله واصفی نبودم و یک تصحیح را محض همکاری به شما نوشته بودم، دیگر اینکه وقتی ذهنیت و جهان بینی خبرنگار وبسایت شما را دیدم که عوض تشکر ازین تصحیح، درحالیکه واصفی و پدر اصلی اش و هم بچهٔ سقو مرده اند، ولی خبرنگار شما تقاضای (دی.ان.ای.) را دارد، سکوت رااختیارکردم. درینجا به ارتباط "دقت" باز هم این نکته مطرح شده میتواند که متصدیان وبسایت شما مرحوم عزیزالله واصفی رامیشناختند، ولی همین خبر جعلی ودروغین واهانت آمیز را دربارهٔ یک پشتون متوفی نشر کردند و هم از موقف خبرنگار خود دفاع نمودند. آقای سدید، وبسایت شما در برابر دین اسلام و پشتونها موقف مشهور ومشهود دارد.

مقصد دوم موضوع استعمال کلمهٔ (پُر) بحیث قید است و خواستم توجهٔ جناب سدید صاحب را به فقرهٔ (پراختناق) دربالا جلب کنم که درآن نیز (پُر) بحیث قید (به معنی بسیار) استعمال شده، واین سه تصادف را بخاطری خاطرنشان ساختم که شما به پشتیبانی از دوست تان در بارهٔ ترکیب "پُرگرم" چیزهایی نوشته بودید، درحالیکه جناب استاد معروفی بخاطر استفادهٔ معقول و مناسب ازترکیب "پُرپُوک" درمقالهٔ اخیر شان، بخاطری مستحق جایزهٔ "آفرین" میباشند که بمعنی این ترکیب نیز رسیده اند. به ارتباط ترکیبها وساختمانهای زبان، چونکه جناب سدید صاحب زبانشناس نمیباشند، یک مقولهٔ علم زبانشناسی را به توجه شان میرسانم که: هردری زبان استعداد تولید ترکیبات نو را در چوکات دستور زبان خود بطور لایتناهی دارد و این کلیه درهمه زبانها قابل تطبیق میباشد.

درباب پیشنهاد تدوین (فرهنگ زبان دری) که هموطنان محترم همکاری مرا تقاضا کرده اند، من شیخ فانی شده ام و معاذیری دارم که آنرا بعرض خواهم رسانید- معهذا تا زنده باشم برای هرنوع خدمت فرهنگی درحدود توان و بدون خودنمایی و امتیاز، مضایقه نخواهم کرد. سلامها وتمنیات نیک مرا بپذیرید – با عرض احترام.

سیدخلیل الله هاشمیان - 28 جون 2015

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولـئ